

بررسی تأثیر بهزیستی روانی بر رضایتمندی زناشویی زنان: مورد مطالعه زنان متأهل نجف آباد و فولادشهر

محمد تقی ایمان، استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*
زهره یادعلی جمالویی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

چکیده

مسئله اساسی این پژوهش، بررسی رابطه بهزیستی روانی و رضایتمندی زناشویی در بین زنان متأهل دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر است. این مطالعه مقطعی بر روی ۷۵۷ نفر زن متأهل (۳۸۱ نفر ساکن نجف‌آباد و ۳۷۶ نفر ساکن فولادشهر) این دو شهر در استان اصفهان که حداقل ۳ سال از مدت ازدواجشان می‌گذشت، انجام شده است. یافته‌ها نشان داد که بین سن و طول مدت ازدواج زنان با میزان رضایتمندی زناشویی آنان در شهر محل سکونت آنها رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میزان رضایتمندی زناشویی زنان فولادشهری به طور کلی بالاتر بود. در هر دو شهر بین بهزیستی روانی و رضایتمندی زناشویی همبستگی مستقیم وجود داشت؛ به این معنا که با افزایش بهزیستی روانی میزان رضایتمندی زناشویی زنان متأهل افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان از میزان رضایتمندی زناشویی زنان کاسته می‌شود. نتایج حاصل از رگرسیون چند گانه نیز حاکی از آن بود که از یک طرف عواملی چون تعداد فرزندان و میزان بهزیستی روانی توانستند ۳۵ درصد ($R^2=0/35$) از تغییرات متغیر وابسته در نجف‌آباد را پیش بینی کنند. از طرف دیگر، متغیرهای سن زن و میزان بهزیستی روانی ۴۳ درصد ($R^2=0/43$) رضایتمندی زناشویی در میان زنان فولادشهری را تبیین نمودند. نتایج تعاملی نشان داد که متغیرهایی چون تعداد فرزندان و بهزیستی روانی در این دو شهر با هم تعاملی نداشتند. همچنین، نتایج نشان داد که متغیرهای سن و طول مدت ازدواج در این دو شهر متفاوت به لحاظ بافت قدیم و جدید دارای کارکردهای متفاوتی هستند. نتایج مدل تحلیل مسیر نیز حاکی از این است که عوامل سن زن، تحصیلات زن، تعداد فرزندان و بهزیستی روانی توانسته‌اند ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: رضایتمندی زناشویی، بهزیستی روانی، شهر محل سکونت.

مقدمه

ارزش کارکردی نهاد اجتماعی خانواده در هر نظام اجتماعی حائز اهمیت است. هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌های خود ابتدا به سراغ این نهاد می‌رود تا از درون آن شهروندان آتی خویش را پروراند. یکی از مباحث مهم در این نهاد، کیفیت روابط بین والدین (زن و شوهر) است. هنگامی که روابط میان این دو در خانواده رضایت بخش باشد، نوعی آرامش بر خانواده حاکم می‌گردد که موجب بهبود عملکرد در زندگی اجتماعی خواهد شد. یکی از عوامل مؤثر در اثر بخش نمودن این فرآیند، که پیامد آن رضایتمندی زناشویی است، مسائل روان‌شناختی است. به همین لحاظ، توجه به مسأله سلامت روانی زوجین می‌تواند موجب افزایش میزان رضایتمندی زناشویی آنان و نهایتاً بهبود کارایی خانواده گردد. مطالعات گذشته نشان دهنده این امر هستند که میزان بهزیستی روانی عاملی است که در میزان رضایتمندی زناشویی زنان نسبت به مردان تأثیرگذارتر است (کوهن^۱ و همکاران، ۲۰۰۹؛ داکین^۲ و وامپلر^۳: ۲۰۰۸؛ شفیع، ۱۳۸۶؛ باتزر و کمپبل^۴، ۲۰۰۸؛ هالیست^۵ و دیگران، ۲۰۰۷).

همچنین، همان‌گونه که می‌دانیم، امروزه ریشه‌های فرهنگی در شهرهای مدرن سست شده و میزان طلاق افزایش یافته است (شیرازی، ۱۳۸۶؛ شیعه، ۱۳۸۰). در حالی که در مطالعات و تحقیقات کمتر به این امر توجه شده است، ولی آمارها از افزایش جدایی و طلاق در شهرهای مدرن تر و پر جمعیت‌تر حکایت

می‌کنند (مینوت^۶ و همکاران: ۲۰۰۸). بنابراین، توجه به مسأله بهزیستی روانی با توجه به نقش بستر اجتماعی، امری ضروری است که موجب افزایش میزان رضایتمندی زناشویی زنان به طور خاص و سلامت و بقای خانواده به طور عام می‌شود. علت انتخاب دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر به عنوان بسترهای اجتماعی متفاوت، تمایزات فرهنگی، جمعیت‌شناختی و تاریخی میان این دو شهر است. نجف‌آباد شهر قدیمی در حال گذر است که از یک طرف توانسته است همچنان بافت قدیمی خود را تا حد زیادی حفظ کند و از طرف دیگر، عناصری از زندگی جدید و صنعتی را نیز درون فرهنگ خود بپذیرد، اما فولادشهر شهری جدید و مهاجرپذیر است که به علت وجود همین ویژگی، دارای فرهنگی یکپارچه و واحد نبوده، تنوع فرهنگ‌ها و اقوام مختلف در این شهر باعث بروز مسائل مختلف مثبت و منفی در زندگی ساکنان آن گردیده است. آمارها نشان دهنده بالاتر بودن میزان مهاجرپذیری فولادشهر نسبت به نجف‌آباد است. طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ میزان جمعیت کل مهاجر به نجف‌آباد برابر با ۴۴۴۰۱ نفر بوده، در حالی که این میزان برای شهر فولادشهر برابر با ۴۴۸۰۳ نفر است و این در حالی است که نجف‌آباد شهرستانی نسبتاً بزرگ است که جمعیت کل آن برابر با ۲۸۲۴۳۰ نفر بوده که نشان می‌دهد این میزان مهاجرپذیری نسبت به جمعیت آن زیاد نیست، اما فولادشهر خود بخشی از شهرستان لنجان است که کل جمعیت آن برابر با ۵۵۴۹۶ است، لذا این میزان مهاجرپذیری برای فولادشهر میزان بسیار بالایی است. بنابراین، بیش از دو سوم جمعیت فولادشهر را مهاجران

¹ Cohen et.al

² Dakin

³ Wampler

⁴ Butzer & Campble

⁵ Hollist

⁶ Minut

تفکرات و استفاده از رویکردهای درمانی رفتاری-شناختی را با هدف سازگاری زناشویی و افزایش کارکرد خانواده نشان می‌دهد.

مجیدی (۱۳۸۵) در رساله خود با عنوان بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با رضایتمندی زناشویی مهاجرین در مناطق نفت‌خیز جنوب، به این نتیجه دست یافت که میزان رضایتمندی زناشویی در بین زنانی که از سلامت روانی بیشتری برخوردارند، بالاتر است.

عدالتی و رزوان^۱ (۲۰۱۰) در مقاله خود با عنوان "مروری بر سلطه، رضایتمندی زناشویی و پرخاشگری زنانه" به بررسی این سه پدیده و ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق بیانگر این امر هستند که نرخ پرخاشگری زنانه با سلطه و رضایتمندی زناشویی آنان در ارتباط است.

کوهن^۲ و دیگران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان "کیفیت ازدواج و رفاه جهانی در میان زوج‌های سالخورده یهودی در ازدواج‌های با دوام" دریافتند که کیفیت زناشویی اهمیت بیشتری در ارتباط با سلامت روان زنان دارد، همچنین، رضایتمندی زناشویی به زمینه‌ای که ازدواج در آن رخ می‌دهد، بستگی دارد.

مینوت^۳ و همکارانش (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "آیا یک روستا می‌تواند در شکل‌گیری یک ازدواج نقش داشته باشد؟ اکتشاف رابطه بین اجتماع و رضایتمندی زناشویی" به بررسی تأثیر سه دسته متغیرهای جمعیتی، کیفیت همسایگی و انسجام اجتماعی بر روی رضایتمندی زناشویی پرداختند. آنان به این نتایج دست یافتند که محیط اجتماعی بر روی میزان رضایتمندی زناشویی زنان اثرگذار است.

تشکیل می‌دهند، در حالی که این میزان برای نجف‌آباد تقریباً برابر با یک پنجم جمعیت آن است. به همین علت، بررسی تطبیقی رضایتمندی زناشویی در این دو شهر می‌تواند گویای تأثیر قدمت تاریخی و نیز مسأله مهاجرت بر جنبه‌های مختلف زندگی ساکنان این دو شهر و از آن جمله رضایتمندی زناشویی باشد.

بنابراین، هدف کلی این مقاله پاسخ به این سؤال است که چه ارتباطی میان بهزیستی روانی و رضایتمندی زناشویی زنان متأهل وجود دارد و بستر اجتماعی تا چه اندازه توانسته است ابعاد و عناصر کیفیت رضایتمندی زنان را تحت تأثیر قرار دهد؟

پیشینه تحقیق

شفیعی کندجانی و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی همبستگی آسیب‌شناسی روانی زنان و رضایتمندی زناشویی" به بررسی تأثیر سلامت روانی بر رضایتمندی زناشویی زنان متأهل پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، تعیین همبستگی بین آسیب‌های روانی زنان و رضایتمندی زناشویی بوده است. یافته‌های این مقاله نشان داد که زیر مقیاس‌های افسردگی، اضطراب، وسواس و اجبار همبستگی منفی با رضایتمندی زناشویی داشتند، اما چنین ارتباطی بین ترس مرضی و رضایتمندی زناشویی وجود نداشت.

سیف و اسلامی (۱۳۸۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان "نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی" به بررسی باورها، شناخت‌ها و اسطوره‌های موجود در اذهان افراد، از جمله زوجین در ارتباطات میان آنها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش، ضرورت توجه به تفکرات غیرمنطقی مختص رابطه، استفاده از کلاس‌های آموزشی برای تصحیح این

¹ Edalati and Redzuan

² Cohen

³ Minut

دریافتند، رضایتمندی زناشویی و افسردگی تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند.

تاریخچه فولادشهر و نجف‌آباد

فولادشهر شهری در بخش مرکزی شهرستان لنجان در استان اصفهان است. این شهر در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان واقع شده و مساحت آن بالغ بر ۷۷۰۰ هکتار است. این شهر یکی از سه شهر جدید در اصفهان است. فولادشهر در سال ۱۳۴۲ با نام آریاشهر برای اسکان کارمندان ذوب آهن تأسیس شد و از سال ۱۳۶۳ به عنوان شهری جدید فعالیت خود را آغاز نمود. این شهر به علت نزدیکی به مرکز استان و همچنین، دسترسی آسان به صنایع بزرگی همچون ذوب آهن اصفهان، فولاد مبارکه و کارخانه سیمان سپاهان دیزیل، به مکانی مناسب برای اسکان تبدیل گردیده است. دیگر مزایای زندگی در این شهر جدید، نزدیکی به مراکز آموزش عالی همچون دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد است. این شهر به عنوان محل اصلی اقامت کارکنان و کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان در نظر گرفته شده است. ساکنان اولیه فولادشهر غالباً مهاجرانی از تمام شهرهای ایران بودند که با احداث مراکز صنعتی در این شهر ساکن شدند. اکثر جمعیت این شهر را مهاجران بختیاری تشکیل می‌دهند (برگرفته از پایگاه اطلاعاتی شهرداری فولادشهر).

نجف‌آباد در حدود سال ۱۰۲۲ هـ.ق. همزمان با حاکمیت شاه عباس اول صفوی در دشت وسیعی در ۲۹ کیلومتری غرب اصفهان بنا شده است. در خصوص بنای آن روایات گوناگون ذکر شده، از جمله اینکه بنابر عقیده علما در زمان سلاطین صفوی

لو^۱ با دیگران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی از خود، شریک و ویژگی‌های زوج: آیا من هستم، تو یا ما؟" با استفاده از دو رویکرد فردی و دوتایی به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و رضایتمندی زناشویی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که میزان عصبی بودن زنان بر روی میزان رضایتمندی خودشان و نیز شوهرانشان تأثیر خاص مهمی دارد.

پلگ^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "رابطه میان تمایز خود و رضایتمندی زناشویی: در ورای جریان زندگی چه چیزی می‌توان از افراد متأهل آموخت؟" نشان داد که چندین عامل بر روی رضایتمندی زناشویی اثرگذار است، از قبیل: وقایع استرس‌آور زندگی، درجه حمایت اجتماعی از سوی همسر، مشابهت شریک در ادراکات، نیازها و ویژگی‌های معین. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان تمایز مردان بیشتر از زنان است. همچنین، با افزایش سن، میزان رضایتمندی مردان افزایش یافته، این امر در زنان کاهش می‌یابد.

باتزر^۳ و کمپل^۴ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "دلبستگی بزرگسالی، رضایتمندی زناشویی و رضایتمندی از روابط: مطالعه‌ای در مورد زوج‌های جوان" نشان دادند افرادی که دچار اضطراب عاطفی و دلبستگی بودند، رضایت کمتری از روابط زناشویی خودشان داشتند.

هالیست^۵ و دیگران (۲۰۰۷) هم در مقاله‌ای با عنوان "رضایتمندی زناشویی و افسردگی: تکراری از مدل ناسازگاری (اختلاف) زناشویی در نمونه لاتینی"

¹ Luo

² peleg

³ Butzer

⁴ Campbell

⁵ Hollist

نیز شامل نظریه‌های روان‌شناسی در حیطه خانواده درمانی می‌شود. از جمله جامعه‌شناسانی که در این زمینه نظریه‌پردازی کرده‌اند، می‌توان به اسکانزونی^۱، بات^۲، بک گرنسهایم^۳، دووال و هیل^۴ اشاره کرد که نظریات آنان عموماً به ویژگی‌های ساختاری خانواده هسته‌ای مربوط است. نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز شامل: نظریه‌های انتظار، نظریه‌های نیاز، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه تجارب اجتماعی بود. بخش سوم نظریات شامل نظریه‌های روان‌شناسی در حیطه خانواده درمانی بود. نظریه پردازان این حیطه نیز کسانی بودند مثل کمپلر^۵، بوون^۶ و بالبی^۷.

اسکانزونی (۱۹۷۲) از جمله جامعه‌شناسانی است که در مکتب تضاد در زمینه کشمکش و تعارض بین همسران و به تبع آن انحلال در رابطه کار کرده است. بک گرنسهایم با اشاره به نظریه‌های کارکرد گرایان که در آن تقسیم نقش میان زن و مرد به صورت مرد شاغل، زن خانه‌دار است می‌گوید: در الگوی ایده‌آل خانواده کارکرد گرایان کلیه اعضای خانواده حداقل توقع را از پدر-شوهر دارند و سعی در فراهم کردن آسایش و رفاه و به نوعی محافظت او در برابر مشکلات جهان خارج دارند تا پدر-شوهر از مشکلات اجتماعی فارغ گشته، در محیط خانواده امکان شکوفایی و ثبات شخصیت خود را به دست آورد.

بنابراین، با توجه به کاستی‌های نظریه‌ها و رویکردهای موجود به نظر می‌رسد که نظریه چرخه

در حدود سال ۱۰۲۲ هـ.ق، شاه عباس قصد داشت مقداری جواهر و پول نقد به نجف ارسال کند. در این موقع شیخ بهایی از این قضیه آگاه می‌شود و از خروج این ذخایر جلوگیری می‌کند (دهخدا، ۱۳۴۱: ۳۵۷).

در خصوص ساکنان اولیه شهر گفته شده است که پیش از بنای آن عده‌ای زردشتیان در کوهپایه‌های شمالی شهر ساکن بوده‌اند و این محل مدتی پس از اینکه دولت اسلامی در اصفهان برقرار شد، مسکن و مأوی زندانیان سیاسی گردید (یزدانی نجف‌آبادی، ۱۳۸۳).

چارچوب نظری تحقیق

رضایتمندی زناشویی زیر مجموعه‌ای از مباحث مربوط به خانواده است. شروع تحقیقات و پژوهش‌ها در این زمینه نیز از دهه ۱۹۵۰ در کشورهای پیشرفته است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۸). نظریه پردازان از رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و غیره در مورد ساختار خانواده نظریه‌پردازی کرده‌اند، اما به طور کلی ساختار خانواده، ساختاری روانی-اجتماعی است؛ به این معنا که هم عوامل روان‌شناختی و هم عوامل جامعه‌شناختی در آن تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر، هر فرد در ساختار خانواده متأثر از شرایط درونی (روانی) و بیرونی (اجتماعی) خانواده است (اعزازی، ۱۳۷۶). همان طور که گفته شد، به دلیل آنکه مفهوم رضایتمندی زناشویی مسأله‌ای مربوط به حوزه روان‌شناسی اجتماعی است، نظریه‌های پیرامون خانواده را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: بخش اول نظریه‌های جامعه‌شناسی (عمدتاً خرد)؛ بخش دوم نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی و بخش سوم

¹ Askanzunny

² Bott

³ Beck-Gernsheim

⁴ Duval & Hill

⁵ Kampler

⁶ Bowen

⁷ Balby

آنکه نسل سوم ممکن است در پی برنامه‌ریزی برای کاریابی یا ایجاد روابط صمیمانه خاص دوران بزرگسالی باشد. هر نسل بر نسل دیگر تأثیر گذاشته، از آن متأثر می‌گردد. در بسیاری از موارد تحول خانواده به صورت انتقال‌های چندگانه و همزمان صورت می‌پذیرد. بسیاری از خانواده‌ها در مانگرها با یکپارچه ساختن نظریه‌های مربوط به چرخه زندگی فردی؛ مثلاً اریکسون^۴ (۱۹۶۳) برخی مفاهیم جامعه‌شناختی درباره رشد و تحول خانواده دووال (۱۹۷۷) و یافته‌های بالینی روان‌پزشکانی، چون میلتون اریکسون^۵ مدعی هستند که مفهوم چرخه زندگی می‌تواند چارچوب مفیدی باشد برای بررسی مراحل قابل پیش‌بینی‌ای که خانواده آنها را طی می‌کند. این اشخاص به جای آنکه خانواده را از دید آسیب‌شناسی یا کاستی نگر بررسی کنند، اظهار می‌دارند که رویکرد مبتنی بر چرخه زندگی خانوادگی، از توانایی خانواده برای حفظ ثبات و تداوم خویش تصویر مثبت‌تری ارائه می‌دهد. خانواده در همان حالی که متحول می‌شود و ساختار خود را با توجه به بروز فرآیندهای ارتباطی جدید تغییر می‌دهد، باز هم برای حفظ ثبات خویش می‌کوشد (همان).

طبق این دیدگاه، بسیاری از خانواده‌ها به رغم هر گونه ساختار یا ترکیبی که دارند، رویدادها و مراحل قابل پیش‌بینی خاصی را پشت سر می‌گذارند (مثل ازدواج، تولد نخستین فرزند، رفتن فرزندان از خانه، مرگ پدر بزرگ یا مادر بزرگ). هر مرحله بر اثر رویداد خاصی حادث می‌شود؛ رویدادی که به نظر زیلباخ^۶ شاخص مرحله‌ای خانواده نام دارد و مستلزم مستلزم تغییر و سازگاری مجدد با آن رویداد است. این مراحل می‌توانند به خاطر تغییر در ساخت ترکیبی

زندگی خانوادگی دووال و هیل^۱ برای بررسی رضایتمندی زناشویی مناسب باشد، زیرا در پژوهش‌های متعدد مورد استفاده قرار گرفته و از حمایت و تأیید بالایی برخوردار است (پلگ^۲، ۲۰۰۸؛ فخرایی، ۱۳۸۸).

در اواخر دهه ۱۹۴۰ برای نخستین بار جامعه‌شناسان خانواده، مثل ایولین دووال و روبن هیل^۳ در تلاش برای تبیین نظم موجود در زندگی خانوادگی، یک چارچوب تحول نگر را برای بررسی خانواده مطرح نمودند. آنها فرض را بر این گذاشتند که خانواده در طول هستی خود به تغییر شکل و کارکرد خویش می‌پردازد و این فرآیند در قالب مجموعه‌ای منظم و متوالی از مراحل تحولی صورت می‌پذیرد. این جامعه‌شناسان به آن دسته از تغییرات سازمانی و انطباقی توجه می‌کردند که خانواده باید در پاسخ به تغییرات ساختاری خویش نشان دهد. به طور اخص، آنها الگوی نظری خویش را بر تغییرات ناشی از گسترش و بعد کوچکتر شدن اندازه خانواده، تغییر در ترکیب سنی - سن بزرگترین فرزند - و تغییرات ناشی از وضعیت شغلی افراد نان‌آور خانه بنا نهاده بودند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۸).

از نظر دووال و هیل، همچنانکه خانواده در طول مراحل مختلف چرخه زندگی خانوادگی به پیش می‌رود، نسل‌های مختلف خانواده بر روی یکدیگر تأثیری پایا و متقابل بر جای می‌گذارند و این امر موجب شکل دهی متقابل به زندگی آن نسل‌ها می‌شود. در هر مرحله‌ای که خانواده در حال گذر از آن است، تبادل‌های به هم آمیخته‌ای به صورت همزمان بین نسل‌ها جریان دارد. در همان هنگامی که یک نسل به مرحله پیری وارد می‌شود، نسل دیگر می‌کوشد با خروج فرزندان از خانه کنار بیاید؛ حال

⁴ Erickson

⁵ Milton Ericson

⁶ Zilbach

¹ Duvall & Hill

² Peleg

³ Evelyn Duvall and Reuben Hill

اواسط سال‌های ازدواج (سال‌های پدر و مادر شدن) این امر کاهش می‌یابد و در سال‌های آخر (پس از پدر و مادر شدن) باز افزایش می‌یابد. داشتن کودک به کاهش میزان رضایتمندی زناشویی در سال‌های اولیه منجر می‌شود، درحالی که وقتی بار کار سخت کاهش یابد و مسؤولیت‌های والدینی کمتر شوند، این دو باعث افزایش رضایتمندی زناشویی در سال‌های پایانی ازدواج می‌شوند (پلگ، ۲۰۰۸).

در مورد تأثیر شهر بر میزان بهزیستی روانی افراد و کیفیت زندگی آنان، نظریه بات (۱۹۷۱) می‌تواند تبیین‌کننده خوبی باشد. این نظریه بر این پیش فرض استوار است که تقسیم نقش درون خانواده بیش از آنکه یک پدیده طبیعی یا ضروری برای انسجام خانواده باشد، به رابطه زوج‌ها با محیط اجتماعی بستگی دارد. وی به روابط اجتماعی خانواده توجه کرد و مشخص کرد روابط اجتماعی کلیه خانواده‌ها با جامعه حالت شبکه دارد؛ یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد جامعه در تماس است. اما شبکه روابط برخی از خانواده‌ها شبکه متصل است؛ یعنی افرادی که خانواده با آنها معاشرت دارند، با یکدیگر نیز دوست و آشنا هستند و شبکه روابط برخی دیگر از خانواده‌ها شبکه پراکنده است. وی چنین نتیجه گرفت که چگونگی تقسیم نقش‌های خانوادگی به نوع شبکه اجتماعی خانواده بستگی دارد. خانواده‌هایی که تقسیم نقش آنها سستی است شبکه روابط اجتماعی آنها متصل است؛ یعنی دوستان آشنایان و همسایگان این خانواده یکدیگر را می‌شناسند و بدون ارتباط با خانواده مورد نظر با یکدیگر روابط اجتماعی دارند، اما زن و شوهری که به صورت مشارکتی با یکدیگر زندگی می‌کنند دارای شبکه اجتماعی پراکنده هستند؛ یعنی دوستان و آشنایان آنها یکدیگر را چندان نمی‌شناسند. وی این فرضیه را مطرح کرد که درجه جدایی مربوط به

خانواده روی دهند یا ممکن است در نتیجه یک تغییر اساسی در فرآیند خود پیروی اعضا (رفتن به مدرسه، ورود به دنیای نوجوانی، بازنشستگی) حادث شوند. ویژگی نظام خانوادگی در هنگام پیشرفت عبارت است از: تداوم و تغییر در برخی موارد تغییرات مزبور به صورت منظم، تدریجی و مداوم هستند. در سایر موارد امکان دارد ناگهانی، ناراحت کننده و ناپیوسته باشند. در هر دو وضعیت لازم است که سازمان کلی نظام متحمل تغییر و تحولاتی شود. برای مثال، ممکن است خانواده‌ای به ناگهان دچار رویدادهای فاجعه بار و غیر منتظره شود. این بحران‌ها جریان تحولی عادی خانواده را برهم می‌زنند و ناگزیر باعث تغییرات ارتباطی میان اعضای خانواده می‌شوند (همان).

دووال تأکید خاصی بر این موضوع داشت که تحول متعارف یک خانواده کامل و تمام عیار در قالب هشت مرحله صورت می‌گیرد. این مراحل با ازدواج شروع می‌شوند و با مرگ هر دو همسر به پایان می‌رسند. تصویری که او از خانواده ترسیم می‌کند به صورت دایره‌ای متشکل از هشت لایه است:

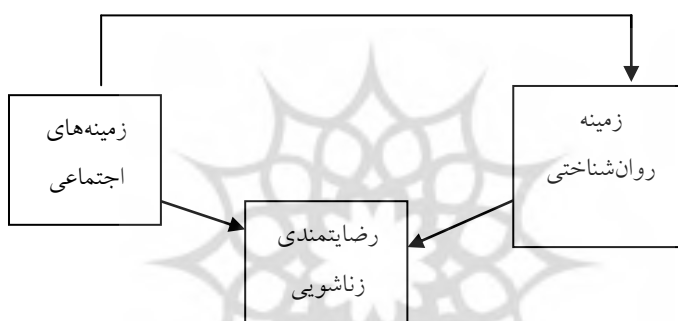
۱- استقرار خانواده (زوج‌های فاقد فرزند)؛ ۲- گذر به موقعیت والدینی؛ ۳- خانواده با کودک پیش دبستانی؛ ۴- خانواده با کودک دبستانی؛ ۵- خانواده با فرزند نوجوان؛ ۶- خانواده به عنوان سکوی پرش؛ ۷- خانواده پس والدینی (از دوره آشیانه تهی تا دوران بازنشستگی)؛ ۸- خانواده پیر (بازنشستگی تا مرگ هر دو همسر).

به طور کلی، طبق این دیدگاه روابط خانوادگی به مرور زمان پیچیده‌تر می‌شوند و این درحالی است که خانواده‌ها نیازها و تمایلات مختلفی در مراحل مختلف چرخه زندگی دارند. در سال‌های اولیه (قبل از پدر و مادر شدن) شادی بالایی وجود دارد، که در

می‌تواند چارچوب نظری مناسبی را برای تبیین موضوع رضایتمندی زناشویی زنان متأهل ساکن نجف‌آباد و فولادشهر فراهم نماید. براساس این دو نظریه مدل و فرضیات تحقیق به شرح زیر است:

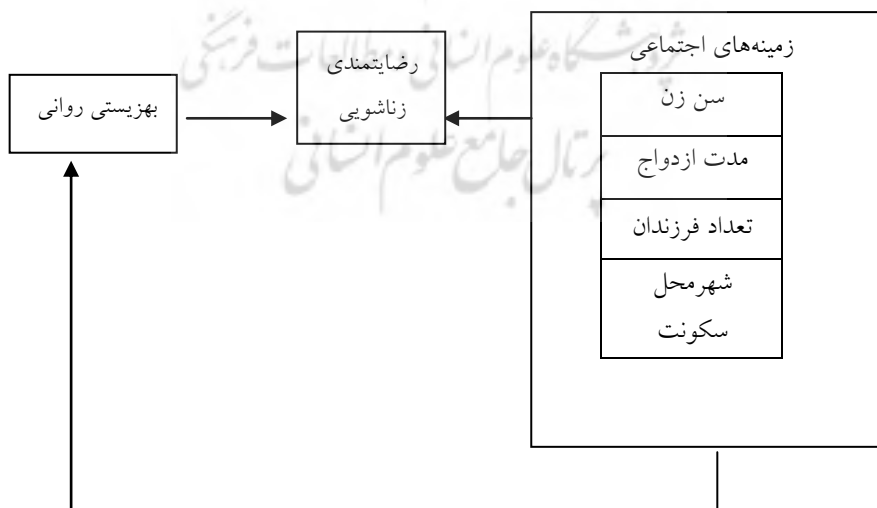
شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

مدل مفهومی تحقیق با توجه به نظریه بات و دووال و هیل انتخاب شده و نشان می‌دهد چه عواملی با رضایتمندی زناشویی مرتبط هستند.



شکل ۲- مدل تجربی تحقیق

در این بخش مفاهیم به کار گرفته شده در نظریه بات با توجه به بستر تحقیق عملیاتی می‌شود.



فرضیات تحقیق

۲. بین سن و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین مدت ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی

۱. بین شهر محل سکونت زنان و میزان رضایتمندی آنها رابطه معنادار وجود دارد.

زنان رابطه معنادار وجود دارد.

۴. بین تعداد فرزندان و میزان رضایتمندی زناشویی

زنان رابطه معنادار وجود دارد.

۵. بین میزان بهزیستی روانی و میزان رضایتمندی

زناشویی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در هر پژوهش با توجه به نوع موضوع

مشخص می‌شود. روش مورد استفاده در این تحقیق،

روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش است. از

لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به

آن رویکرد میدانی است. جمع‌آوری اطلاعات این

تحقیق از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به

پاسخگویان و ارایه پرسشنامه به آنها صورت گرفته

است. پرسشنامه ابزاری ساختمند برای گردآوری

داده‌هاست که در آن از هر پاسخگویی مجموعه

یکسانی از پرسش‌ها پرسیده می‌شود و پرکاربردترین

ابزار در تحقیقات اجتماعی است. پرسشنامه این

تحقیق شامل دو بخش است: بخش اول به متغیرهای

زمینه‌ای همچون سن، تحصیلات و ... اختصاص

یافته است؛ بخش دوم شامل تعدادی سؤال‌های

طراحی شده باز و بسته توسط خود محقق و نیز دو

طیف با نام‌های شاخص زناشویی لی LMI^۱ برای

سنجش رضایتمندی زناشویی و طیف بهزیستی روانی

است. هر دو این طیف‌ها با استفاده از مقیاس لیکرت

سنجیده شده‌اند. پرسشنامه زناشویی لی از پنج زیر

مقیاس تشکیل می‌شود که شامل: همدلی، رضایتمندی

جنسی، انجام کارها با همدیگر، عاطفه و ارتباط است

که شامل ۲۷ گویه به صورت طیف لیکرت از کاملاً

موافقم تا کاملاً مخالفم می‌شد. این ابزار سنجش قبلاً

در پژوهش لی (۱۹۹۹) استفاده و اعتبار آن تأیید شده

بود. همچنین، قبل از اجرا در اختیار چندین نفر از

افراد صاحب نظر قرار داده و تأیید شد.

جامعه آماری در این پژوهش، شامل کلیه زنان

متأهل ساکن دو شهر فولادشهر و نجف آباد در استان

اصفهان است که حداقل سه سال از زندگی مشترک

آنان گذشته باشد. جمعیت کل زنان متأهل شهر

فولادشهر در آخرین سرشماری نفوس و مسکن

۱۳۸۵ معادل ۱۳۶۴۹ نفر و جمعیت کل زنان متأهل

شهر نجف‌آباد نیز برابر با ۶۳۰۵۳ نفر است. البته، ذکر

این نکته در اینجا حائز اهمیت است که از آنجا که

فولادشهر شهرستان محسوب نمی‌شود و خود جزیی

از شهرستان لنجان است، در سرشماری‌ها نیز به

صورت جداگانه جمعیت آن حساب نشده است.

بنابراین، برای محاسبه جمعیت زنان متأهل آن ابتدا

جمعیت شهری شهرستان لنجان به دست آمد که

معادل ۱۹۱۸۲۰ نفر بود. سپس جمعیت زنان متأهل

شهری این شهرستان که برابر با ۴۷۲۲۹ نفر بود،

محاسبه گردید. حاصل تقسیم این دو عدد برهم در

عدد ۵۵۴۹۶ (= جمعیت کل فولادشهر) ضرب گردید

که جواب عدد ۱۳۶۴۹ نفر بود که این همان جمعیت

زنان متأهل فولادشهر است (منبع: سایت مرکز آمار

ایران: ۱۳۸۸).

در اکثر تحقیقات پرسشنامه‌ای، واحد تحلیل فرد

پاسخگوست. در این پژوهش هر یک از زنان متأهل

ساکن شهرهای نجف‌آباد و فولادشهر که حداقل سه

سال از ازدواج آنها می‌گذشت، واحد تحلیل آماری

در جامعه مورد بررسی محسوب می‌شوند.

پرسشنامه این تحقیق در سطح شهرهای نجف آباد

و فولادشهر در استان اصفهان در تابستان سال ۱۳۸۹

توزیع و داده‌های مورد نیاز از این طریق جمع‌آوری

شده است.

در این تحقیق با استفاده از فرمول‌های برآورد

حجم نمونه، تعداد مشخصی از زنان متأهل انتخاب و

مطالعه شدند. در اینجا از فرمول کوکران استفاده شد

^۱ Lee Marital Index

جامعه‌شناسی و روان‌شناسی ارائه و نظر آنان در این خصوص اعمال شد. در برخی سؤالات بر حسب ضرورت تغییراتی صورت گرفت. برای ترجمه طیف زناشویی لی، این طیف به چند نفر مترجم ماهر داده و پس از ترجمه دقیق آنان به اساتید محترم ارائه شد تا بازبینی نهایی شود.

زمانی که مقیاسی از نوع لیکرت باشد و هدف پژوهشگر سنجش مفهوم پیچیده‌ای از طریق گویه‌های مختلف و متعدد باشد، به منظور سنجش سازگاری درونی گویه‌ها می‌توان از آلفای کرونباخ استفاده کرد. هر اندازه مقدار ضریب آلفا به یک نزدیکتر باشد، حاکی از آن است که گویه‌ها انسجام درونی بیشتری با هم دارند. پس از سنجش پایایی مفاهیم مورد نظر مقادیر برای آلفای کرونباخ به دست آمد که در جدول ذیل همگی ارائه شده‌اند و نشانه انسجام درونی مناسب برای سؤالات پرسشنامه هستند.

میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
شاخص زناشویی لی	۲۷	۰/۸۴
بهزیستی روانی	۷۵۷	۰/۶۸

پیشرفته داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آماری پرداخته می‌شود و برای تعیین اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (میزان رضایتمندی زناشویی) از آزمون‌های مختلف و متناسب با کیفیت متغیرها استفاده خواهد شد. از نظر سطح سنجش، متغیرها شامل متغیرهای اسمی و فاصله‌ای هستند. برای آزمون متغیرهای اسمی از آزمون‌های مقایسه میانگین (F و T) استفاده می‌شود و در مورد سایر متغیرهای

که با توجه به حجم نمونه در سطح معناداری ۹۵٪ و خطای نمونه‌گیری ۵٪ برای فولادشهر ۳۷۶ نفر و برای نجف‌آباد ۳۸۱ نفر به دست آمد. در مجموع، حجم نمونه دو شهر برابر با ۷۵۷ نفر تخمین زده شد. در این تحقیق روش نمونه‌گیری برای دستیابی به نمونه پژوهشی معرف نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی بود؛ به این صورت که ابتدا متناسب با جمعیت خانوارهای هر منطقه از دو شهر سهمیه‌ای به هر منطقه اختصاص داده شد و سپس در درون هر منطقه به شکل تصادفی ساده افراد نمونه توسط پرسشگران انتخاب شدند.

اعتبار با این سؤال که "آیا واقعا فرد چیزی را که فکر می‌کند اندازه می‌گیرد، اندازه‌گیری می‌کند یا نه؟" سر و کار دارد. برخلاف پایایی که عمدتاً یک مسأله کمی و قابل اندازه‌گیری است، اعتبار یا روایی مسأله‌ای عمدتاً کیفی است. بدین منظور، برای سنجش اعتبار سؤالات، پرسشنامه در تحقیق حاضر پرسشنامه به تعدادی از اساتید، از جمله اساتید

داده‌ها بر اساس نرم افزار SPSS در دو بخش بررسی شدند:

- بخش آمار توصیفی: اطلاعات توصیفی از داده‌ها به صورت جداول و نمودارهای فراوانی ارائه می‌شود. در این قسمت علاوه بر آشنایی کلی با نحوه توزیع داده‌ها از آماره‌هایی مثل میانگین، میانه، مد و ... استفاده خواهد شد.

- بخش آمار استنباطی: در این بخش به تحلیل

فردی قضاوت گسترده‌ای درباره زندگی خود به طور کلی دارد؛ به همان اندازه‌ای که درباره ابعاد خاص زندگی‌اش مانند کار و ازدواج دارد. بنابراین، اجزایی قابل تفکیک از بهزیستی ذهنی وجود دارد که عبارتند از: رضایت از زندگی (قضاوت کلی از زندگی)، رضایت از ابعاد خاصی از زندگی (مانند رضایت از کار و غیره)، عاطفه مثبت (تجربه کردن بسیاری از هیجان‌ها و خلیقات خوشایند) و سطح پایینی از عاطفه منفی (تجربه کردن تعداد کمی از هیجان‌ها و خلیقات ناخوشایند (داینر، ۲۰۰۰)).

بهزیستی روانی سه مؤلفه دارد: ۱- مؤلفه رضایت از زندگی که از مقیاس رضایت از زندگی^۱ حاصل شد؛ ۲- عاطفه مثبت که در این مطالعه برابر با نمره‌ای است که از مقیاس مثبت پاناس به دست آمد و ۳- عاطفه منفی که در این مطالعه برابر با نمره‌ای است که از مقیاس عاطفه منفی پاناس محاسبه شد. سطح سنجش متغیر بهزیستی روانی فاصله‌ای است. - شهر محل سکونت: منظور شهری است که فرد پس از ازدواج در آن ساکن شده است.

تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با استفاده از داده‌های موجود به سؤال‌های تحقیق که براساس مقایسه شاخص‌های رضایتمندی زناشویی و بهزیستی روانی در میان زنان متأهل دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر مطرح گردید، پاسخ داده شده است. نتایج در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه می‌گردد.

در بخش آمار توصیفی چنین نتایجی حاصل گردید که اکثر زنان در رده‌های سنی جوان و میانسال قرار داشتند. میانگین مدت ازدواج زنان در حدود چهارده سال و میانگین تعداد فرزندان دو نفر بود. زنان فولادشهری به طور کلی از میزان رضایتمندی

مستقل که در سطح سنجش اسمی و فاصله‌ای قرار می‌گیرند از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. از آنجایی که مدل تحقیق یک مدل از نوع تحلیل مسیر است، برای آزمون مدل، به کارگیری منطق آماری حاکم بر تحلیل مسیر که در واقع مبتنی بر طراحی و اجرای معادلات رگرسیونی چندگانه ترکیبی است، مورد نیاز است.

رضایتمندی زناشویی متغیر وابسته تحقیق است. منظور از رضایتمندی زناشویی وجود رابطه‌ای دوستانه و مملو از تفاهم میان زن و شوهر است. رضایتمندی زناشویی یک متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای است که به وسیله ۲۷ گویه شاخص زناشویی لی سنجیده شده است. متغیرهای مستقل نیز شامل: سن، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، بهزیستی روانی و شهر محل سکونت هستند.

سن عبارت است از فاصله بین زمان تاریخ تولد فرد و زمان تاریخ سرشماری (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸). این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای قرار دارد.

- مدت ازدواج: منظور تعداد سال‌هایی است که از زندگی مشترک زوجین با یکدیگر می‌گذرد. سنوالت زندگی مشترک یک متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای است.

- تعداد فرزندان: منظور از تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، برای هر زن تعداد فرزندان است که از وی متولد شده‌اند و در زمان پرسش زنده هستند. این فرزندان ممکن است از یک ازدواج یا از ازدواج‌های متعدد باشند و همچنین، ممکن است با همین خانواده یا خانوارهای دیگری زندگی کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸). این متغیر نیز در سطح سنجش فاصله‌ای قرار می‌گیرد.

- بهزیستی روانی: هیجان‌ها و خلیقات مردم عکس‌العمل به اتفاقاتی است که برایشان می‌افتد. هر

^۱ SWLS

بیشتری برخوردار بودند. از نظر میزان بهزیستی روانی هم زنان پاسخگو در حد متوسط قرار داشتند. درصد رضایتمندی زناشویی زنان به تفکیک شهر محل سکونت در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی میزان رضایتمندی زناشویی کل پاسخگویان بر حسب شهر محل سکونت

شهر	نجف‌آباد		فولادشهر		کل	
	فراوانی	نسبت (%)	فراوانی	نسبت (%)	فراوانی	نسبت (%)
کم	۵۳	۱۳/۹	۵۷	۱۵/۲	۱۱۰	۱۴/۵
متوسط	۲۶۲	۶۸/۸	۲۳۴	۶۲/۲	۴۹۶	۶۵/۵
بالا	۶۶	۱۷/۴	۸۵	۲۲/۶	۱۵۱	۰/۲۱

میانگین: ۹۵/۳۱ حداقل: ۳۱ حداکثر: ۱۳۵

اما در بخش دوم؛ یعنی آزمون فرضیات این نتایج به دست آمد:

۱. بین شهر محل سکونت زنان و میزان رضایتمندی‌شان رابطه معناداری وجود دارد. همان گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، فرضیه وجود رابطه بین شهر محل سکونت پاسخگویان و میزان رضایتمندی زناشویی آنان در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود. میانگین میزان رضایتمندی زناشویی کل در بین زنان ساکن فولادشهر بیشتر از زنان ساکن نجف‌آباد است.

جدول ۲- آزمون رابطه میان شهر محل سکونت پاسخگویان با میزان رضایتمندی زناشویی آنان

متغیر وابسته	شهر	فراوانی	میانگین	t	سطح معناداری
رضایتمندی زناشویی (کل)	نجف‌آباد	۳۸۱	۹۴/۷۴	-۰/۷۳۹	۰/۰۲
	فولادشهر	۳۷۶	۹۵/۷۸		

۲. بین سن و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳ نتایج بررسی معناداری تفاوت میانگین رضایتمندی زناشویی بر حسب سن و شهر محل سکونت براساس آزمون F با مقدار ۳۲/۳ و

معنی داری از نظر میزان رضایتمندی زناشویی در دو شهر نجف آباد و فولادشهر مشاهده می‌شود.

حداقل سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\text{Sig} = 0/037$)، معنی دار است، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود؛ یعنی در بین پاسخگویان با وضعیت‌های مختلف سنی، تفاوت

جدول ۳- آزمون تعامل بین متغیرهای سن پاسخگویان و شهر محل سکونت آنان از نظر میزان رضایتمندی زناشویی

منبع واریانس	میانگین مجزورات	مقدار f	معنی داری
سن	۴۷۵۷/۱۱	۴۴/۲۳۲	۰/۰۰۰
شهر محل سکونت	۹۴/۱۸۶	۰/۲۸۲	۰/۵۹
تعامل سن و شهر محل سکونت	۱۱۰۷/۵۴	۳۲/۳	۰/۰۳۷
خطا	۳۳۳/۶۲۷	-	-

فولادشهر نشان می‌دهد که در شهر نجف آباد به لحاظ بافت بومی آن و برخورداری از شبکه‌های حمایتی مختلف اجتماعی، از قبیل شبکه‌های خویشاوندی، شبکه همسایه‌ها و دوستان موجب ایجاد رضایتمندی زناشویی بیشتر در سنین بالاتر می‌شود. در صورتی که فولادشهر به لحاظ ویژگی مهاجرپذیر بودن، فاقد این گونه شبکه‌های حمایتی است و به همین علت است که با افزایش سن زنان فولادشهری میزان رضایتمندی زناشویی آنها کاهش می‌یابد. از نظر اجتماعی و فرهنگی و روانی رابطه طبیعی، منطقی و صمیمی انسان‌ها در شهرهای صنعتی گسسته و سست شده است. غالباً در شهرهای پرجمعیت تر و متراکم تر مردم شهرها با هم غریبه‌اند و یکدیگر را نمی‌شناسند. عمده آنها رابطه‌ای غیرصمیمانه و غیردوستانه دارند. به طور عمده گروه‌هایی از جمعیت که از نظر اجتماعی و روانی با یکدیگر تفاوت دارند، به طور تصادفی به گردهم آمده‌اند (شیعه، ۱۳۸۰).

جدول ۴ نتایج بررسی تفاوت میانگین رضایتمندی زناشویی، بر حسب شهر و وضعیت سنی پاسخگویان را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان جوان فولادشهری است. کمترین میانگین رضایتمندی زناشویی نیز مربوط به زنان پیر فولادشهری است. همچنانکه از داده‌های جدول مشخص است، روند تغییر رضایتمندی زناشویی در بین زنان فولادشهری از یک روند منظم کاهشی پیروی می‌کند؛ به این معنا که با افزایش سن زنان در فولادشهر از میزان رضایتمندی زناشویی آنها کاسته می‌شود. این در حالی است که در نجف آباد میزان رضایتمندی زناشویی زنان جوان از زنان جوان فولادشهری پایین تر است که در میانسالگی این میزان کاهش یافته، اما باز در دوران پیری رو به افزایش می‌رود. به طور کلی، تحلیل آزمون تعامل میان سن و میزان رضایتمندی زناشویی در دو شهر نجف آباد و

جدول ۴ - میانگین رضایتمندی زناشویی پاسخگویان به تفکیک شهر محل سکونت و سن آنان

نام شهر	رده سنی	جوان	میانسال	پیر	کل
نجف‌آباد	۱۰۰/۵۰	۹۱/۰۲	۹۲/۸۳	۹۴/۷۴	
فولادشهر	۱۰۵/۲۴	۸۹/۳۲	۸۵/۴۰	۹۵/۷۸	
کل	۱۰۲/۹۳	۹۰/۱۹	۸۹/۴۵	۹۵/۲۵	

۳. بین مدت ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. جدول ۵ نتایج بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین میزان رضایتمندی زناشویی زنان بر حسب طول مدت ازدواج و شهر محل سکونت آنان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های رضایتمندی زناشویی در بین زنان، از نظر طول مدت ازدواج و شهر محل سکونت براساس آزمون F با مقدار ۲/۹۹ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۰۵$)، معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود؛ یعنی در بین پاسخگویان با وضعیت‌های مختلف به لحاظ طول مدت ازدواج، تفاوت معنی‌داری از نظر میزان رضایتمندی زناشویی در دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر مشاهده می‌شود.

۳. بین مدت ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. جدول ۵ نتایج بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین میزان رضایتمندی زناشویی زنان بر حسب طول مدت ازدواج و شهر محل سکونت آنان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های رضایتمندی زناشویی در بین زنان، از

جدول ۵ - آزمون تعامل بین متغیرهای طول مدت ازدواج پاسخگویان و شهر محل سکونت آنان از نظر میزان رضایتمندی زناشویی

منبع واریانس	میانگین مجزوات	مقدار f	معنی‌داری
طول مدت ازدواج	۱۴۵۹۰/۴۹	۶۳/۴۳	۰/۰۰۰
شهر محل سکونت	۱۶/۶۰۸	۰/۰۵۰	۰/۸۲۴
تعامل طول مدت ازدواج و شهر	۱۰۰۲/۱۲۶	۲/۹۹	۰/۰۵
خطا	۳۳۴/۳۶۶	-	-

جدول ۶ نتایج بررسی تفاوت میانگین رضایتمندی زناشویی، بر حسب شهر محل سکونت و مدت ازدواج پاسخگویان را نشان می‌دهد. براساس داده‌های جدول، بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنانی است که ۳ تا ۱۰ سال از ازدواجشان می‌گذرد و ساکن فولادشهر هستند. کمترین میانگین رضایتمندی زناشویی نیز مربوط به زنان فولادشهری است که مدت ازدواجشان از ۲۰ سال به بالاست. یک تفاوت مهم در بین زنان سالخورده نجف‌آبادی و فولادشهری این است که زنان پیر نجف‌آبادی از میزان رضایتمندی زناشویی بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در فولادشهر برخوردارند. به نظر می‌رسد شاید

جدول ۶ نتایج بررسی تفاوت میانگین رضایتمندی زناشویی، بر حسب شهر محل سکونت و مدت ازدواج پاسخگویان را نشان می‌دهد. براساس داده‌های جدول، بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنانی است که ۳ تا ۱۰ سال از ازدواجشان می‌گذرد و ساکن فولادشهر هستند. کمترین میانگین رضایتمندی زناشویی نیز مربوط به زنان فولادشهری است که مدت ازدواجشان از ۲۰ سال به بالاست. یک تفاوت مهم در بین زنان سالخورده نجف‌آبادی و فولادشهری این است که زنان پیر نجف‌آبادی از میزان رضایتمندی زناشویی بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در فولادشهر برخوردارند. به نظر می‌رسد شاید

این معنا که با افزایش طول مدت ازدواج زنان در هر دو شهر از میزان رضایتمندی زناشویی آنها کاسته می‌شود. به طور کلی، نتیجه حاصل از این آزمون تأیید کننده چارچوب نظری پژوهش حاضر است که با افزایش طول مدت ازدواج، از میزان رضایتمندی زناشویی زنان برعکس مردان کاسته می‌شود و این مطلب در مورد زنان هردو شهر مصداق داشت.

یکی از علت‌های این امر، وجود بافت قدیمی و شبکه‌های خویشاوندی و دوستان قویتر در نجف‌آباد است که تا پایان زندگی فرد از وی حمایت کرده، نوعی پشتیبان در برابر مشکلات برای او محسوب می‌شوند. همچنانکه از داده‌های جدول مشخص است، روند تغییر میزان رضایتمندی زناشویی در بین زنان فولادشهری و نجف‌آبادی از نظر طول مدت ازدواج از یک روند منظم کاهشی پیروی می‌کند؛ به

جدول ۶- میانگین رضایتمندی زناشویی پاسخگویان به تفکیک شهر محل سکونت و مدت ازدواج

نام شهر	مدت ازدواج	۱۰ تا ۳ سال	۱۰ تا ۲۰ سال	۲۰ سال به بالا	کل
نجف‌آباد	۹۹/۷۸	۹۲/۱۲	۸۸/۵۴	۹۴/۷۴	
فولادشهر	۱۰۴/۱۷	۸۹/۱۷	۸۸/۰۴	۹۵/۷۸	
کل	۱۰۱/۹۶	۹۰/۶۰	۸۸/۳۰	۹۵/۲۵	

۴. بین تعداد فرزندان و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. جدول ۷ نتایج بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین میزان رضایتمندی زناشویی زنان از نظر شهر محل سکونت بر حسب تعداد فرزندان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های رضایتمندی زناشویی در بین زنان، از نظر تعداد فرزندان و شهر محل سکونت براساس آزمون F با مقدار ۰/۸۱ و حداقل سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig = ۰/۴۴$)، معنی‌دار نیست، لذا فرضیه فوق تأیید نمی‌شود؛ یعنی در بین پاسخگویان با تعداد فرزندان مختلف، تفاوت معنی‌داری از نظر میزان رضایتمندی زناشویی در دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر مشاهده نمی‌شود.

۴. بین تعداد فرزندان و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. جدول ۷ نتایج بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین میزان رضایتمندی زناشویی زنان از نظر شهر محل سکونت بر حسب تعداد فرزندان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های رضایتمندی زناشویی در بین زنان، از نظر تعداد

جدول ۷- آزمون تعامل بین متغیرهای تعداد فرزندان و شهر محل سکونت پاسخگویان از نظر میزان رضایتمندی

زناشویی آنان			منبع واریانس
مقدار f	معنی‌داری	میانگین مجذورات	تعداد فرزندان
۱۷/۸۷	۰/۰۰۰	۶۳۵۱/۳۹	شهر محل سکونت
۲/۱۷	۰/۱۴۵	۷۵۵/۸۵۶	تعامل تعداد فرزندان و شهر
۰/۸۱۳	۰/۴۴۴	۲۸۸/۷۲۲	خطا
-	-	۳۰۲/۳۵۵	

فرزند هستند. کمترین میانگین میزان رضایتمندی زناشویی نیز مربوط به زنان پیر نجف‌آبادی است که بین ۵ تا ۱۰ فرزند دارند. همان‌گونه که مشخص است، با افزایش تعداد فرزندان در هر دو شهر از میزان رضایتمندی زناشویی زنان کاسته می‌شود.

جدول ۸ نتایج بررسی تفاوت میانگین رضایتمندی زناشویی، بر حسب شهر محل سکونت و تعداد فرزندان پاسخگویان را نشان می‌دهد. براساس داده‌های جدول، بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان فولادشهری است که فاقد

جدول ۸- میانگین رضایتمندی زناشویی پاسخگویان به تفکیک شهر محل سکونت و تعداد فرزندان آنان

نام شهر	تعداد فرزندان	فاقد فرزند	۵ تا ۱۰ فرزند	کل
نجف‌آباد	۱۰۳/۵۲	۹۴/۰۱	۸۰/۴۰	۹۴/۷۴
فولادشهر	۱۰۵/۱۶	۹۴/۵۱	۹۰/۰۰	۹۵/۷۸
کل	۱۰۴/۲۳	۹۴/۲۷	۸۳/۱۴	۹۵/۲۵

روانی و شهر محل سکونت بر اساس آزمون F با مقدار ۱/۲۶ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Sig=0/283$) معنی‌دار نیست، لذا فرضیه فوق تأیید نمی‌شود؛ یعنی در بین پاسخگویان با سطوح مختلف بهزیستی روانی، تفاوت معنی‌داری از نظر میزان رضایتمندی زناشویی در دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر مشاهده نمی‌شود.

۵. بین میزان بهزیستی روانی و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۹ نتایج بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین رضایتمندی زناشویی بر حسب بهزیستی روانی و شهر محل سکونت پاسخگویان را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های رضایتمندی زناشویی در بین زنان، از نظر بهزیستی

جدول ۹- آزمون تعامل بین متغیرهای بهزیستی روانی زنان و میزان رضایتمندی زناشویی آنها از نظر شهر محل سکونت

منبع واریانس	میانگین مجذورات	مقدار f	معنی‌داری
بهزیستی روانی	۴۳۱۶/۸۰۶	۱۶۷/۴۷	۰/۰۰۰
شهر	۲۱۴۸/۰۹	۸/۳۳	۰/۰۰۴
تعامل بهزیستی روانی و شهر	۳۲۶/۱۵۷	۱/۲۶	۰/۲۸۳
خطا	۲۵/۷۷	-	-

داده‌های جدول، بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان فولادشهری است که میزان بهزیستی روانی بالایی دارند. کمترین میانگین

جدول ۱۰ نتایج بررسی تفاوت میانگین رضایتمندی زناشویی، بر حسب شهر محل سکونت و بهزیستی روانی پاسخگویان را نشان می‌دهد. براساس

که با افزایش میزان بهزیستی روانی زنان، میزان رضایتمندی زناشویی آنها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، هرچه زنان از بهزیستی روانی بیشتری برخوردار باشند، میزان رضایتمندی زناشویی آنان نیز افزایش می‌یابد.

رضایتمندی زناشویی نیز مربوط به زنان نجف‌آبادی است که از بهزیستی روانی پایینی برخوردارند. همچنانکه از داده‌های جدول مشخص است، روند تغییر رضایتمندی زناشویی در بین زنان هر دو شهر از یک روند منظم افزایشی پیروی می‌کند؛ به این معنا

جدول ۱۰- میانگین رضایتمندی زناشویی به تفکیک شهر محل سکونت و بهزیستی روانی زنان

نام شهر	بهزیستی روانی	پایین	متوسط	بالا	کل
نجف‌آباد	۷۹/۳۳	۹۲/۶۹	۱۰۵/۸	۹۴/۷۴	
فولادشهر	۷۹/۹۸	۹۷/۹۶	۱۱۱/۳	۹۵/۷۸	
کل	۷۹/۷۱	۹۴/۸۵	۱۰۸/۱	۹۵/۲۵	

۶. میزان تبیین شدن رضایتمندی زناشویی در دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر
آزمون رگرسیون چندگانه به صورت مجزا برای هریک از شهرها گرفته شد. جدول ۱۱ را به تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته میزان رضایتمندی زناشویی (کل) در شهر نجف‌آباد

اختصاص می‌دهیم. در شهر نجف‌آباد دو متغیر بهزیستی روانی و تعداد فرزندان توانسته‌اند ۳۵٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی زناشویی (کل) را تبیین نمایند. میزان منفی بتا در متغیر تعداد فرزندان نشان‌دهنده تأثیر معکوس این متغیر بر میزان رضایتمندی زناشویی است.

جدول ۱۱ - تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته میزان رضایتمندی زناشویی (کل) در شهر نجف‌آباد

متغیر گام	متغیر مستقل	R	R ²	Adjusted R square	Durbin-watson F	Beta	Std.error	سطح معنی‌داری
۱	بهزیستی روانی	۰/۵۵	۰/۳۱	۰/۳۰		۰/۵۳	۰/۰۶	۰/۰۰۰
۲	تعداد فرزندان	۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۳۵	۱/۶۲	-۰/۲۱	۰/۴۱	۰/۰۰۰

از تغییرات متغیر وابسته در شهر فولادشهر را پیش‌بینی کنند. مقدار بتا در متغیر سن زن منفی است؛ یعنی با افزایش سن زنان فولادشهری از میزان رضایتمندی زناشویی آنان فولادشهری کاسته می‌شود.

جدول ۱۲ را به تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته میزان رضایتمندی زناشویی (کل) در شهر فولادشهر اختصاص دادیم. دو متغیر سن زن و بهزیستی روانی توانستند ۴۳٪ درصد

جدول ۱۲- تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته میزان رضایتمندی زناشویی (کل) در شهر فولادشهر

گام	متغیر مستقل	R	R ²	F	Durbin-watson	Beta	Std.error	سطح معنی‌داری
۱	بهزیستی روانی	۰/۶۱	۳۷	۰		۰/۵۸	۰/۰۶	۰/۰۰۰
۲	سن زن	۰/۶۵	۴۳	۲۲۷	۱/۹۴۱	-۰/۲۳	۰/۰۷	۰/۰۰۰

تحلیل مسیر

وابسته به اثر متغیر بهزیستی روانی پاسخگویان مربوط می‌شود. متغیرهای سن زن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان دارای اثر کل منفی بر رضایتمندی زناشویی هستند؛ به این معنا که با افزایش حوادث ناگوار، سن زن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان از میزان رضایتمندی زناشویی زنان کاسته می‌شود. کمترین میزان تأثیر کل بر متغیر وابسته هم به متغیر سن زن مربوط می‌شود.

آزمون تحلیل مسیر به ما کمک می‌کند علاوه بر اندازه‌گیری تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته تأثیرات غیرمستقیم را نیز بسنجیم. بر اساس داده‌های جدول شماره ۱۳ پس از محاسبه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر رضایتمندی زناشویی، چنین نتیجه‌ای حاصل شد که در مجموع بیشترین تغییرات متغیر

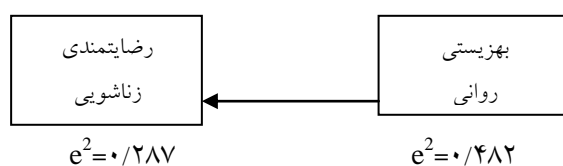
جدول ۱۳- جدول تأثیرات متغیرهای مستقل بر رضایتمندی زناشویی

نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
بهزیستی روانی	۰/۲۸	-	۰/۲۸
سن زن	-۰/۰۵	-	-۰/۰۵
شهر محل سکونت (نجف‌آباد=۱)	-	۰/۰۴	۰/۰۴
مدت ازدواج	-	-۰/۰۸	-۰/۰۸
تعداد فرزندان	-	-۰/۰۷	-۰/۰۷

با توجه به مقادیر خطای محاسبه شده، مقدار واریانس تبیین نشده متغیر وابسته اصلی (رضایتمندی زناشویی) برابر با ۵۸ درصد شده است؛ یعنی این مقدار از تغییرات متغیر وابسته به عوامل دیگری بستگی دارد که در مدل مسیر علی وارد نشده‌اند.

بررسی اثر عوامل ناشناخته (عوامل خطا) حاکی از این است که مدل مسیر علی توانسته است حدود ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند و مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۴۲ درصد شده است.

$$\begin{aligned} \rightarrow R^2 &= 1 - e^2 & e^2 &= 1 - R^2 \\ \rightarrow e^2 &= 1 - 42 = 58 & e &= 58 \end{aligned}$$



شکل ۳- مدل تحلیل مسیر

میانگین میزان رضایتمندی زناشویی کل در بین زنان ساکن فولادشهر بیشتر از زنان ساکن نجف‌آباد بود. بنابراین، مشخص شد که محل سکونت بر میزان رضایتمندی زناشویی زنان تأثیرگذار است. علت انتخاب این دو شهر نیز همان‌گونه که در مقدمه ذکر گردید، تمایزات فرهنگی و جمعیت شناختی موجود میان این دو شهر بود که پس از انجام پژوهش این تمایزات به شکل برجسته‌ای تأیید شد.

فرضیه دوم: بین سن و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق نیز در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان تأیید شد. همچنین، مشخص گردید که بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان جوان فولادشهری و کمترین آن نیز مربوط به زنان پیر فولادشهری است. به طور کلی، هر چه سن زنان افزایش می‌یابد، از میزان رضایتمندی زناشویی آنها کاسته می‌شود که این مطلب در هر دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر مصداق داشت؛ با این تفاوت که در

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش انجام شده، به بررسی تأثیر بهزیستی روانی بر میزان رضایتمندی زناشویی زنان با توجه به نقش شهر محل سکونت پرداخته است. همان‌گونه که ملاحظه گردید، نتایج تحقیق در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه شد. در بخش آمار توصیفی چنین نتایج حاصل گردید که اکثر زنان در رده‌های سنی جوان و میانسال قرار داشتند. میانگین مدت ازدواج زنان در حدود چهارده سال و میانگین تعداد فرزندان دو نفر بود. زنان فولادشهری به طور کلی از میزان رضایتمندی بیشتری برخوردار بودند. از نظر میزان بهزیستی روانی هم زنان پاسخگو در حد متوسط قرار داشتند، اما در بخش دوم یعنی آزمون فرضیات این نتایج به دست آمد.

فرضیه اول: بین شهر محل سکونت زنان با میزان رضایتمندی زناشویی آنان رابطه وجود دارد. همان‌گونه که ملاحظه گردید، این فرضیه در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان تأیید شد. به طور کلی،

نشد. همچنین، بالاترین میانگین میزان رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان فولادشهری بود که فاقد فرزند هستند و کمترین آن نیز مربوط به زنان پیر نجف‌آبادی بود که بین ۵ تا ۱۰ فرزند داشتند. همان‌گونه که مشخص است، با افزایش تعداد فرزندان در هر دو شهر از میزان رضایتمندی زناشویی زنان کاسته می‌شد. نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه با نتیجه پژوهش پلگ (۲۰۰۸) مطابقت داشت.

فرضیه پنجم: بین میزان بهزیستی روانی و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق تأیید نشد. بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنان فولادشهری است که میزان بهزیستی روانی بالایی دارند. کمترین میانگین رضایتمندی زناشویی نیز مربوط به زنان نجف‌آبادی است که از بهزیستی روانی پایینی برخوردارند. بنابراین، با افزایش میزان بهزیستی روانی زنان، میزان رضایتمندی زناشویی آنها نیز افزایش می‌یابد. شفیع کنجدجانی (۱۳۸۶)، کوهن و دیگران (۲۰۰۹)، لو و دیگران (۲۰۰۸)، باتزر و کمپبل (۲۰۰۸)، هالیست و دیگران (۲۰۰۷) و مجیدی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش‌های خود به ارتباط معنادار میان این دو متغیر اشاره کرده‌اند.

تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته میزان رضایتمندی زناشویی (کل) در شهر نجف‌آباد نشان داد که دو متغیر تعداد فرزندان و بهزیستی روانی توانسته‌اند ۳۵٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی زناشویی (کل) را تبیین نمایند. همان‌گونه که در این تحلیل مشخص شد، اهمیت متغیر روان‌شناختی این تحقیق؛ یعنی بهزیستی روانی در پیش‌بینی متغیر وابسته بسیار مشهود است.

نجف‌آباد میزان رضایتمندی زناشویی زنان در دوران پیری اندکی افزایش می‌یابد. این در حالی است که طبق مطالعات انجام شده پیشین در میان مردان، با افزایش سن میزان رضایتمندی زناشویی آنان نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش پلگ (۲۰۰۸) در ارتباط با اینکه هرچه سن زنان افزایش یابد، میزان رضایتمندی زناشویی آنان کاهش می‌یابد، هماهنگی داشته و آن دیدگاه را که این فرضیه از آن استخراج شده، تأیید می‌کند. پژوهش مجیدی نیز این فرضیه را تأیید کرده است.

فرضیه سوم: بین مدت ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق تأیید شد. بالاترین میانگین رضایتمندی زناشویی، مربوط به زنانی بود که ۳ تا ۱۰ سال از ازدواجشان می‌گذشت و ساکن فولادشهر بودند. کمترین میانگین رضایتمندی زناشویی نیز مربوط به زنان فولادشهری بود که مدت ازدواجشان از ۲۰ سال به بالا بود. یک تفاوت مهم در بین زنان سالخورده نجف‌آبادی و فولادشهری آن بود که زنان پیر نجف‌آبادی از میزان رضایتمندی زناشویی بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در فولادشهر برخوردار بودند که همان‌طور که ذکر شد، یکی از علل این امر وجود بافت قدیمی و شبکه‌های خویشاوندی و دوستان قویتر در نجف‌آباد می‌تواند باشد. همچنین بیان شد که نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه با نتیجه پژوهش پلگ (۲۰۰۸)، فخرایی (۱۳۸۸) و مجیدی (۱۳۸۵) که همگی برگرفته از دیدگاه چرخه زندگی هستند، هماهنگ است.

فرضیه چهارم: بین تعداد فرزندان و میزان رضایتمندی زناشویی زنان رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه نیز در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید

کمرنگ‌تر ساخته، با شهر فولادشهر که به نسبت شهر جدیدتری محسوب می‌شود، هم‌نوا تر گردد. به عبارت دیگر، زنان نجف‌آبادی توانسته‌اند با بالا بردن میزان تحصیلات خود و متعاقباً افزایش آگاهی و نیز افزایش بهزیستی روانی و در نتیجه، دسترسی به مشاغل بهتر و افزایش استقلال اقتصادی در زمینه مسائلی همچون تعداد فرزندان و به طور کلی، تصمیمات زندگی زناشویی خود به شکل خودکفتری عمل نموده، از نظر سبک زندگی خود را بیشتر به زنان فولادشهری همانند سازند. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای سن و طول مدت ازدواج در این دو شهر متفاوت به لحاظ بافت قدیمی و جدید دارای کارکردهای متفاوتی هستند. به عبارت دیگر، این متغیر به اشکال متفاوتی در میزان رضایتمندی زناشویی زنان نجف‌آباد و فولادشهر نقش ایفا می‌کند.

همان‌طور که نتایج نشان داد، نقش پدیده مهاجرت در زندگی زنان فولادشهر بسیار درخور توجه است، در حالی که تقریباً کارهای تحقیقاتی محدودی در این شهر در این زمینه صورت گرفته است و همین مسأله می‌تواند در کارهای پژوهشی آتی مورد بررسی بیشتر قرار بگیرد.

همچنین، آگاهی‌رسانی زنان از راه‌های گوناگون در زمینه مسائل گوناگون، به ویژه حوزه‌ای که کمتر به آن پرداخته شده؛ یعنی میزان رضایتمندی جنسی زنان از روابط زناشویی می‌تواند موجب بهبود رضایتمندی زناشویی زنان شود. این امری است که در شهری قدیم‌تر مثل نجف‌آباد بیشتر باید مورد توجه مسؤولان امر قرار گیرد، در حالی که برای زنان فولادشهری به علت سکونت در شهری مهاجر پذیر

بنابراین، تقویت بهزیستی روانی در زنان می‌تواند موجب افزایش بسیار زیاد رضایتمندی زناشویی آنان شود.

پیش‌بینی متغیر وابسته میزان رضایتمندی زناشویی (کل) در شهر فولادشهر نیز نشان داد که دو متغیر سن زن و بهزیستی روانی توانستند ۴۳٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته در شهر فولادشهر را پیش‌بینی کنند. مقدار بتا در متغیر سن زن منفی بود؛ یعنی با افزایش سن زنان از میزان رضایتمندی زناشویی‌شان کاسته می‌شود.

نتایج کلی تحقیق نشان داد که با افزایش سن و تعداد فرزندان، میزان رضایتمندی زناشویی زنان کاهش می‌یابد. هر چه مدت ازدواج زنان افزایش یابد، از میزان رضایتمندی زناشویی کل آنان کاسته می‌شود. با افزایش رضایت از زندگی میزان رضایتمندی زناشویی زنان نیز افزایش می‌یابد، بنابراین، تقویت بهزیستی روانی در زنان می‌تواند موجب افزایش رضایتمندی زناشویی آنان شود.

همان‌طور که در مقدمه ذکر گردید، یکی از اهداف جزئی مهم این تحقیق بررسی تطبیقی نقش پدیده‌هایی، همچون مهاجرت و قدمت تاریخی در زندگی زنان ساکن نجف‌آباد و فولادشهر بود. بنابراین، برای مشخص ساختن تفاوت‌ها در میزان رضایتمندی زناشویی زنان این دو شهر از آزمون تعامل برای بررسی فرضیات تحقیق استفاده شد. نتایج بررسی این آزمون نشان داد که متغیرهایی چون تعداد فرزندان و بهزیستی روانی در این دو شهر با هم تعاملی نداشتند. به عبارت دیگر، با اینکه نجف‌آباد شهری قدیم‌تر نسبت به فولادشهر محسوب می‌شود، اما توانسته است بافت قدیمی خود را

دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره شانزدهم، ش ۵۴. صص ۹۹-۱۰۹.

درویزه، زهرا و کهکی، فاطمه. (۱۳۸۷). "بررسی رابطه سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی"، *مطالعات زنان*، سال ۶، ش ۱، صص ۹۱-۱۰۴.

رحیمی نیک و اعظم. (۱۳۷۳). تئوری‌های نیاز و انگیزش، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

روزنبا، هایدی. (۱۳۶۳). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمد صادق مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ریاحی، محمد اسماعیل و همکاران. (۱۳۸۶). "بررسی میزان رضایتمندی از رابطه زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک"، *فصلنامه حیات*، سال ۹، ش ۱۹، صص ۴۴-۵۱.

ریتزر، جرج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.

سیف، سوسن و اسلامی معصومه. (۱۳۸۶). "نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی"، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۱۰، صص ۱۱۰، معاونت مطالعات و تحقیقات، مرکز چاپ، صص ۹۹-۱۲۹.

شفیعی کندجانی، علیرضا و آذر، ماهیار و جان بزرگی، مسعود و نوحی، سیما و حسینی، سید رضا. (۱۳۸۶). "بررسی همبستگی آسیب‌شناسی روانی زنان و رضایتمندی زناشویی"، *دو ماهنامه پژوهنده*، ش ۶، صص ۴۸۳-۴۹۰.

عبدالله زاده، حسن. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و رضایت زناشویی در زوج‌های شهر دامغان*، رساله کارشناسی ارشد

و آشنایی با فرهنگ‌های متفاوت، امکان افزایش آگاهی آنها در زمینه مسائل مختلف، از جمله رضایتمندی جنسی به شکل بیشتری نسبت به زنان نجف‌آبادی وجود دارد.

منابع

احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ازکمپ و استوارت. (۱۳۶۹). *روان‌شناسی اجتماعی کاربردی*، مترجم: فرهاد ماهر، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، مترجمان: علی محمد حاضری و دیگران، تهران: نشر سفیر.

اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

ترنر، جان‌اتان. اچ. (۱۳۷۲). *ساخت نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید.

ثنایی، باقر. (۱۳۸۶). «مثلث‌سازی و مثلث‌های پاتولوژیک در مشاوره خانواده»، *مجموعه مقالات همایش سراسری مشاوره، سازمان بهزیستی کشور*.

جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۲). "رویکرد جامعه‌شناسانه انتخاب عقلانی"، *مجله راهبرد فرهنگ*، سال اول، ش ۳.

حفاظی طرقله، میترا و فیروزآبادی، علی و حق‌شناس، حسن. (۱۳۸۵). "بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی"، *مجله*

- میشل، آندره. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- ورسلی، پتر. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
- Butzer, Bethany and Campbell, Loren (2008). "Adult attachment, sexual satisfaction and relationship satisfaction: a study of married couples, personal relationships". *Personal relationships*. No.15:141-154.
- Cohen, Orna, Geron, Yael and Farchi, Alva (2009). "Marital quality and global well-being among older adult Israeli couples in enduring marriages". *The American journal of family therapy*., No.37:299-317.
- Diener, Estephan (2000). "Subjective well-being: the science of happiness and a proposal for a national index", *American psychologist*., No.55:34-43.
- Diener, E., Emmons, A., LORSON, j., Griffin, S. (1985). "The satisfaction with life scale" *Journal of personality assessment*, No. 49:71-75.
- Edalati, Ali and Redzuan, Ma rof (2010). "A review: dominance, marital satisfaction and female aggression", *Journal of social sciences*, No. 6: 162-166.
- Kaplan, Mand J.E. Maddux (2002). "Goals and marital satisfaction: Perceived support for personal goals and collective efficacy for collective goals" *Psychology journal*, No. 21: 157-164.
- Klein, David M & James M White (2002). "Marital problems and marital satisfaction, an examination of a Brazilian sample" *Marriage and family therapy programe*.
- بخش روان‌شناسی دانشگاه تبریز.
- عیدی خطیبی، رقیه. (۱۳۸۳). *مقایسه رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی*، رساله کارشناسی ارشد بخش روان‌شناسی دانشگاه تبریز.
- فخرائی، سیروس. (۱۳۸۸). *تبیین جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز*، رساله دکتری بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان. (۱۳۸۲). *روشن تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۸۸). *خانواده درمانی*، ترجمه: حمیدرضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، تهران: نشر روان.
- مازلو و ابراهام. (۱۳۷۱). *به سوی روان‌شناسی بودن*. مترجم: احمد رضوانی، مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- مجیدی، مریم. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با رضایتمندی زناشویی مهاجرین در مناطق نفت‌خیز جنوب*، رساله کارشناسی ارشد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- محمدی، منیژه. (۱۳۸۶). *بررسی زمینه‌های جمعیتی اجتماعی اقتصادی و روان‌شناختی مرتبط با بهزیستی ذهنی سالمندان شهر تبریز*، رساله کارشناسی ارشد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- ملتفت، حسین. (۱۳۸۱). *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- Lee, Soonja, Choi (1999). *Marital Satisfaction factors for Korean-Americans*. PH.D dissertation of the school of education of Andrews University, U.S.A.
- Luo, Shanhong, Chen, Hao, Yue, Guoan, Zhang, Guangjian, Zhaoyang, Ruixue Danxu (2008). "Predicting marital satisfaction from self, partner and couple characteristics: is it me you or us?" *Journal of personality*, Vol.76, No.5:1232-1266.
- Minnotte, Krista , Lyne , Mannon, Susan E, Stevens, Daphne Pedersen and Kiger, Gary (2008). "Does it take a village to make a marriage? exploring the relationships between community and marital satisfaction" *Sociological focus*, 41: 119.
- Peleg, Ora (2008). "The relation between differentiation of self and marital satisfaction: what can be learned from married people over the course of life?" *The american journal of family therapy*, Vol. 36:388-401.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Relation Between Mental Well-Being and Marital Satisfaciton

Mohammad Taghi Iman*

Profossor, Department of Sociology and Social Planning Shiraz University, Shiraz, Iran

Zahra Yadali Jamaloei

M.A. Student, Shiraz University, Shiraz, Iran

** Corresponding author, e-mail: iman@shirazu.ac.ir*

Introduction

Functional value of the social institution of family is important in any social system. Any society with its values is beginning to look into family to train its future citizens. One of the important issues in this institution is the quality of relationships between parents (spouses). When a relation between the two is satisfactory in a relaxed family on which the ruling family in public life will improve performance. One of the affective factors that impact the process of making marital satisfaction effective is psychological issues. Therefore, according to a mental health problem of the couples can enhance their marital satisfaction and ultimately improve the efficiency of the family. Previous studies indicate that the level of psychological well-being is an affective factor in marital satisfaction of women than men. Also as known the cultural roots in modern cities have been weaken and divorce rate has been increased (Shirazi, 2007; Shie, 2001). While the studies and research in this regard is less. Thus pay attention to mental well-being with regard to the role of social context causes to increase the survival rates of marital satisfaction of women in particular and families in general. We choosed Najafabad and Fooladshahr as different social contexts, because of their cultural, demographic and historical distinctions. In one hand Najafabad is an old and passing city which could maintain its ancient structure and in the other hand has been accepted elements of modern and industrial life. But Fooladshahr is a new and immigrant town which because of this character, it has no homogenous and specific culture and diversity of cultures and ethnos in this city has been caused different positive and negative problems in habitant's lives. The statistics show that the immigration of Fooladshahr is more than Najafabad. Therefore, the total goal of this paper is answering to these questions: what kind of relation is there between mental well-being and marital satisfaction of married women? How much social context could affect elements of the quality of women marital satisfaction?

Material and methods

This study s respondents are the married women living in the two cities, one (Najafabad) located in western part of Isfahan province and another (Fuladshahr) in southwestern Isfahan (a province in central Iran). The systematic sampling of the population was used here. The criteria for the inclusion were that the participants be married

women whose marriage had lasted for at least 3 years. Participation was voluntary. The final sample included 757 participants -381 women in Najafabad (50.3%) and 376 women in Fuladshahr (49.7%). The age of Najafabad s women ranged from 17 to 70 (Mean=35.74), and that of Fooladshahr s women was from 16 to 74 (Mean=35.12). The participants in Najafabad had

been married on average for 14.07 years and had a mean number of children of 2.25.

Literature framework of this study was Duval and Hill theory which mixed with Bott theory.

According to this literature framework conceptual and experimental models with hypothesis have been showed.

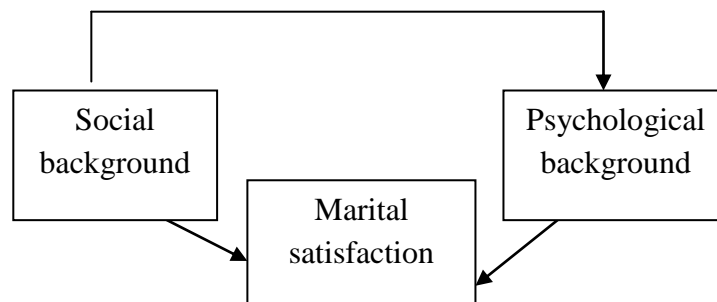


Figure 1- Conceptual Model

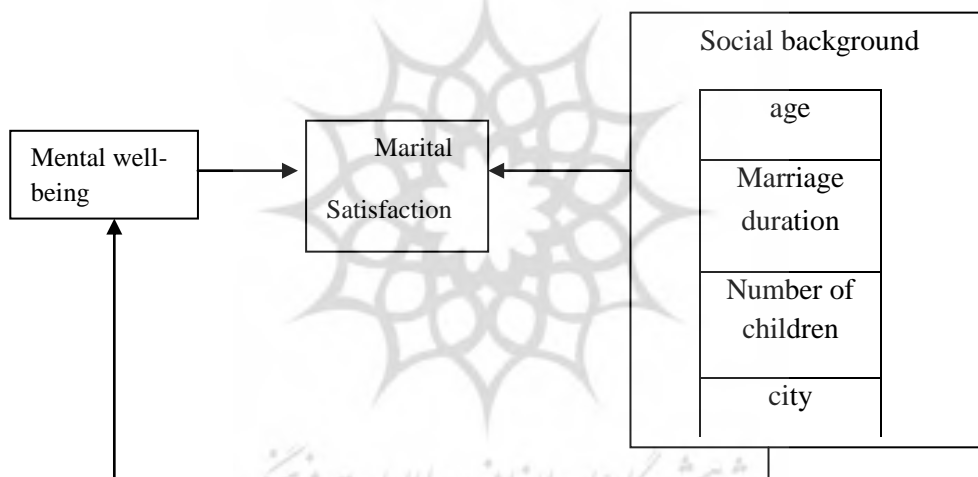


Figure 2- Experimental Model

Research hypothesis

- 1- There is a significant relation between city and marital satisfaction.
- 2- There is a significant relation between age and marital satisfaction.
- 3- There is a significant relation between marriage duration and marital satisfaction.
- 4- There is a significant relation between number of children and marital satisfaction.
- 5- There is a significant relation between mental well-being and marital satisfaction.

Background questionnaire

The questionnaire, which was designed specifically for this study, included queries so as to obtain the following information: age, years married, the number of children, and city.

The mental well-being inventory

The SWLS¹ (Diener 2000), which was translated into Persian (Mohammadi 2007), was used to assess the levels of mental well-being. The

¹ The Satisfaction With Life Scale

equivalence between the original and adapted versions was verified by a back-translation process performed by native English speakers living in Iran. The inventory is a 19-item self-reporting measurement.

The marital satisfaction inventory (LMI)¹

In the original version, marital satisfaction is measured by 27 statements pertaining to five dimensions: empathy, communication, affection, sexual satisfaction, doing things together. For each statement, respondents were asked to indicate the degree to which it applied to them on a five-point Likert-like scale (1= absolutely disagree, 5 = absolutely agree). Where necessary, the ratings were reversed so that the higher the rating, the better the marital satisfaction.

Discussion of results and conclusions

This study investigates the effect of mental well-being on marital satisfaction via the role of town location. As was noted, the results were presented in two parts: descriptive and inferential statistics. The descriptive statistics results were such that most were middle-aged women and young ages. Marriage average was about fourteen years and the average number of children was two. But the second part of the test results obtained from these assumptions.

Hypothesis 1: There is a significant relation between city and marital satisfaction. As was noted at least 95 percent confidence level, this hypothesis was confirmed. Average total amount of general marital satisfaction among women more than women residing in Najaf Abad was Fooladshahr.

Hypothesis 2: There is a significant relation between age and marital satisfaction. The above hypothesis is confirmed by at least 95% confidence level. In general, whatever their age

increases the rate of marital satisfaction decreases and this was true in both the city of Najafabad and Fooladshahr, with little difference in Najafabad women ages which their marital satisfaction will be increases at the last days of their marital relations.

Hypothesis 3: There is a significant relation between marriage duration and marital satisfaction. The above hypothesis was confirmed. The highest average of marital satisfaction was related to the women who were married for 3 to 10 years and were living in Fooladshahr. The lowest average of marital satisfaction is also related to Fooladshahr women with 20 years marriage duration.

Hypothesis 4: There is a significant relation between number of children and marital satisfaction. This hypothesis was not confirmed in 95% confidence level.

Hypothesis 5: There is a significant relation between mental well-being and marital satisfaction. Above hypothesis was not confirmed. The highest average of marital satisfaction was related to mental well-being of the women who live Fooladshahr.

Stepwise multivariate analysis to predict the dependent variable showed that two variables (number of children and mental well-being) could explain 35% percent of the variances in the dependent variable. while this rate was 43% in Fooladshahr. Thus strengthening the mental well-being in women can increase their marital satisfaction. The results showed that the phenomenon of migration on women's lives is very significant Fooladshahr.

Keywords: Marital Satisfaction, Mental well-Being, City.

References

Abdollahzadeh, Hasan (2004), The relationship between personality traits and marital satisfaction, Master thesis in psychology, University of

¹ Lee Marital Inventory

Tabriz.

Ahmadi, Habib (2006). *Sociology of deviances*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.

Azkmp, and Stewart (1991). *Applied social psychology*, Translator: Farhad Maher. Mashhad: Razavi Cultural Affairs publications.

Butzer, Bethany and Campbell, Loren (2008). "Adult attachment, sexual satisfaction and relationship satisfaction: a study of married couples, personal relationships". *Personal relationships*. No.15:141-154.

Cohen, Orna, Geron, Yael and Farchi, Alva (2009). "Marital quality and global well-being among older adult Israeli couples in enduring marriages". *The American Journal of family therapy*., No.37:299-317.

Diener, Estephan (2000). "Subjective well-being: the science of happiness and a proposal for a national index", *American psychologist*., No.55:34-43.

Diener, E., Emmons, A., LORSON, j., Griffin, S. (1985). "The satisfaction with life scale" *Journal of personality assessment*, No. 49:71-75.

Darvizeh, Zahra, and Kohaki, Fatemeh (2009). "The relationship between marital adjustment and psychological well-being", *Women Studies Journal*, Sixth year, No.1, p: 91-104.

Eydi khatibi, Roghayeh (2005). *Comparative validity of Different Attachment Styles*, Master thesis in psychology, University of Tabriz.

Ezazi, Shahla (1998). *Sociology of family: emphasize on the role, structure and function of family in contemporary*. Tehran: Enlightenment and Women's Studies Publications.

Edalati, Ali and Redzuan, Ma'rof (2010). "A review: dominance, marital satisfaction and female aggression", *Journal of Social Sciences*, No. 6: 162-166.

Fakhraie, Sirus (2010). *Sociological explanation of spouses in Shiraz city*, PH.D thesis in sociology, Shiraz University.

Goldenberg and Goldenberg, Herbert (2010).

Family therapy, translator: Hamid-Reza Hoseynshahi Baravati, Siamak Naghshbandi, and Elham Arjmand, Tehran: Ravan publication.

Hefazi Torghabe, Mitra, Firuzabadi, Ali, and Haghshenas, Hasan (2007). "The relationship between the elements of love and marital satisfaction" *the Journal of Mazandaran medical University*, Volume XVI, No.54, p: 99-109.

Javadi Yeganeh, Mohammad-Reza(2004). *Sociological approach to rational choice*, *Rahborde farhang Journal*, the first year, No.3.

Kiwi, Raymond and Kamphvd, Luc Van (2004). *Research Methods in Social Sciences*, translator: Abdol-hosein Nikgozar, Tehran: Tutia publication.

Kaplan, Mand J.E. Maddux (2002). "Goals and marital satisfaction: Perceived support for personal goals and collective efficacy for collective goals" *Psychology Journal*, No. 21: 157-164.

Klein, David M & James M White (2002). "Marital problems and marital satisfaction, an examination of a Brazilian sample" *Marriage and family therapy programe*.

Lee, Soonja, Choi (1999). *Marital Satisfaction factors for Korean-Americans*. PH.D dissertation of the school of education of Andrews University, U.S.A.

Luo, Shanhong, Chen, Hao, Yue, Guoan, Zhang, Guangjian, Zhaoyang, Ruixue Danxu (2008). "Predicting marital satisfaction from self, partner and couple characteristics: is it me you or us?" *Journal of personality*, Vol.76, No.5:1232-1266.

Majidi, Maryam (2007). *An investigation of economical-social factors relate to marital satisfaction of immigrants in petroleum regions*, Master thesis of sociology in Shiraz University.

Maslow, Abraham (1993). *Toward a Psychology of Being*, translator: Rezvani, Ahmad, Mahhad: publication of Astane ghodse razavi cultural affairs, the first edition.

Mohammadi, Manijeh (2008). *A survey on*

Socio-demographic and psychological backgrounds which affect on mental well-being of elderly people in Tabriz, Master thesis in sociology in Shiraz University.

Moltafet, Hoseyn (2003). An investigation of influential factors on couple orientation to divorce in Darab, Master thesis in Shiraz University.

Minnotte, Krista , Lyne , Mannon, Susan E, Stevens, Daphne Pedersen and Kiger, Gary (2008). "Does it take a village to make a marriage? exploring the relationships between community and marital satisfaction" *Sociological focus*, 41: 119.

Peleg, Ora (2008). "The relation between differentiation of self and marital satisfaction: what can be learned from married people over the course of life?" *The american Journal of family therapy*, Vol. 36:388-401.

Rahiminik, Azam(1995). Need and motivation theories. Tehran: Islamic Azad University, The first publication.

Riahi, Mohammad- Esmail, and et.al (2008).

An investigation of marital satisfaction between women that refer to health centers of Arak, *Hayat Journal*.,No. 19, p: 44-51.

Rosenbaum, Heidi (1985). Family as a structure versus society, Tehran University publication center, translator: Mohammad-Sadegh Mahdavi, Tehran: the center of academic publication.

Sanaei, Bagher (2008). Triangulation and pathological triangles in family counseling. Proceedings of the National Conference, Welfare Organization.

Seyf, Susan and Eslami, Masumeh(2008). The role of relationship beliefs in family function and marital adjustment youth studies journal, No. 10, 11, department of studies and research, p: 99-129.

Shafei Kondajani, Azar, Alireza, Janbozorgi, Mahyar, Noohi, Masood, and Seyed-Reza Hoseini (2008). Correlation between psychopathology and marital satisfaction of women, *Domahname pazhuhandeh*, No.6, p: 483-490.

Skidmore, William(1994). Theoretical thinking in sociology. Translators: Ali Mohammad Hazeri and, et.al. Tehran: Safir publications.

Turner, Jonathan. H.(1994). Construction of sociological theory, translator: Abdol-Ali Lahsaeizadeh, Shiraz: Navid publications.

